ادامه از صفحه ۸

## روان‌لرزه‌های زمین‌لرزه

این مشـکلات در صورت عدم درمـان می‌تواند تا بزرگ‌سـالی نیز ادامه داشته باشد و به شکل‌های دیگری خود را نشان دهد. یک بررسی نشان داد ۲۲.۹ درصد از کودکان ۶تا۱۰ساله‌ای که زلزله ۵.۲ریشتری ایتالیـا را تجربه کردند ۱۲تا۱۷ مـاه بعد از وقوع آن کماکان بسیاری از نشـانه‌های اختلال استرس پس از حادثه را نشـان می‌دادنـد؛ همین‌طور ۲۸ درصد از کودکان ۸تا۱۵ساله که زلزله ۷.۴ریشتری ترکیه را تجربه کردند ۳۶ ماه بعد از آن همچنان بسـیاری از علائم این اختلال را نشان می‌دادند. بررسی دیگری که پس از زلزله ۷.۱ریشـتری نیوزیلند انجام شـد، نشـان داد کودکان دوسـاله یا کوچک‌تـر (در زمان وقوع زلزله) بسـیار بیشـتر از سـایر گروه‌های سنی ممکن است علائم این اختلال و اثرات مخرب روانی حاصل از زلزله را در آینده نشـان دهند. اما شـدت آسیب‌پذیری روانی (پس از زلزله) در همه کودکان به یک اندازه نیسـت. برخی بیشتر در معرض ترس و اضطراب هستند و برخی کمتر؛ بعضی‌ها که قبلا سابقه مشکلاتی نظیر خشونت و آزار، جدایی والدین یا مرگ والدین و... داشـته‌اند بیشتر احتمال دارد که دچار مشکلات روانی شوند. چگونه درباره اتفاقاتی نظیر زلزله با کودکان حرف بزنیم و رفتار کنیم؟

- با کـودکان و نوجوانـان (به‌ویـژه آنها که در اثـر حادثه آسـیب دیده‌انـد) حتما دربـاره حال و احساسات‌شـان حرف بزنید، از آنها درباره نگرانی‌ها و ترس‌هایشان بپرسـید، بخواهید که دلایل ترس و ناراحتی و نگرانی‌شان را (هرچه هست و به آن فکر می‌کنند) بیان کنند، شنونده باشید و به احساس‌شان نخندید و سعی کنید به آنها در بیان تمام آنچه حس و فکر می‌کنند، کمک کنید.

- اگر کودک موضوعی ناخوشایند و دردناک (مثلا دیـدن مرگ والدین یا...) را بیـان کرد، از او نخواهید که حرف نزنـد، اتفاقـا از او بخواهید به صحبتش ادامـه دهد و هر آنچه درباره‌اش دیده یا شـنیده یا فکر می‌کند و احساسش در آن‌باره را کامل بیان کند.

- سـعی کنید شـنونده خوبی باشـید و از زبان متناسـب با سـن و درک کودک یا نوجوان استفاده کنید. اسـتفاده از زبان و لحن نامناسـب و آمرانه و تحکم‌آمیز هیچ کمکی به بهبود حال او نمی‌کند.

- اگر از شما سؤالی پرسید به او ساده و صادقانه جواب دهید. بااین‌حال حتما یادتان باشد که معنای صداقت آن نیست که تمام جزئیات ناراحت‌کننده و دلخـراش یک اتفاق را برایش بازگو کنید چراکه این کار می‌تواند به‌راحتی ترس و ناراحتی و نگرانی‌اش را بسیار بیشتر کند.

- این آمادگی را داشـته باشید که یک مطلب را بارها برای کودک تکرار کنید. تکرارکردن یک مطلب آن هم زمانی که خودتان حال چندان مناسبی ندارید شاید کار سختی باشد، اما درباره کودکان و نوجوانان باید این را پذیرفت و صبر و تحمل‌تان را کمی بیشتر از قبل کنید. ضمنا هر بار که سؤال مشابهی پرسیدند لازم است پاسخ‌تان یکسان و صادقانه باشد.

- برای بسـیاری از کودکان درک چرایی اتفاقات کار سختی اسـت و آنها دراین‌باره سؤال می‌پرسند، لازم است به آنها رک و راست توضیح دهید که دلیل بعضـی اتفاقات را ما هم نمی‌دانیـم. اجازه ندهید برای پاسخ‌دادن به اینکه مثلا چرا فلان اتفاق افتاده دلایلـی غیرمنطقی و نادرسـت را در ذهن خودش پرورش بدهد.

- بسـیاری از کودکان ممکن اسـت نسـبت به آنچه پیـش آمده (و مثلا جراحت یا ازدسـت‌دادن عزیزانشان) احساس گناه کنند. به آنها توضیح دهید که آنچه پیش آمده تقصیـر آنها نبوده و هیچ‌کس آنها را به‌خاطر آن اتفاق سرزنش نمی‌کند.

- تا آنجـا که می‌توانید از کودک حمایت کنید و علاقه‌تان را نسبت به او بیشتر از قبل نشان دهید.

- تشویق‌شان کنید هر اندازه که می‌توانند بازی و ورزش کنند. نقاشی و خمیربازی و فعالیت‌هایی از ایـن دسـت از بهتریـن روش‌هـا بـرای ابراز احساسـات و هیجانات کودکان اسـت. می‌توانید خودتان هم در انجام این بازی‌ها همراه‌شان شوید و با زبان‌بازی کمکش کنید تا شرایط را کمی بهتر تحمـل کند. فعالیت‌های گروهـی نظیر ورزش و کارهای گروهی شـاد می‌تواند به بهترین شـکل در بهترشـدن حال کودکان نقش مؤثری ایفا کند؛ کاری که برخی از گروه‌های مردم‌نهاد و... از اولین روزهـای وقوع زلزله به شـکلی تحسـین‌برانگیز انجـام داده و براسـاس گزارش‌هـای مختلـف باعث بهبودی چشـمگیر حال بسیاری از کودکان آسیب‌دیده از زلزله شده‌اند.

- اگـر کـودک به مدرسـه مـی‌رود بـه معلم و مسـئولان آنجـا دربـاره ترس‌هـا و نگرانی‌ها و مشـکلاتش توضیح دهید تا بتوانید شـرایطی مهیا کنید که از لحاظ روانی برایش امن و آرام باشد.

- اگـر مشـکل ادامـه داشـت (مثلا تـرس و نگرانی‌اش شـدت گرفت یا مشـکلات جسـمی و روانی بیشـتری پیدا کرد) لازم است حتما در اسرع وقت یک پزشک متخصص (روان‌پزشک کودکان) یا روان‌شناس کودکان او را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد و درمان را آغاز کند. بررسی‌ها نشان داده درمان زودهنگام به‌طور مؤثری از بروز بسیاری از مشکلات عدیده روان در آینده کودک جلوگیری می‌کند بنابراین اگر احساس کردید دیگر نمی‌توانید برای حل مشکل کاری کنیـد بـدون بهانه و تردید و تعلل به سـراغ متخصص بروید.

*** دستیار پژوهشی علوم اعصاب در کینگز کالج لندن**
**روزنامه‌نگار علمی**

# مادر؛ طراح ربودن فرزند ۱۸ساله

**شرق:** زنی که نقشه ربودن فرزند خود را طراحی کرده بود، دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار ما، ماجرای ربوده‌شـدن پسری ۱۸ساله روز ۲۳ آذر از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ به کلانتری یوسف‌آباد اعلام شد.

با تشـکیل پرونده مقدماتی با موضوع «آدم‌ربایی» و به دسـتور بازپرس شـعبه چهارم دادسـرای ناحیه ۲۷ تهران، پرونده برای رسیدگی در اختیار اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

مادر فرد ربوده‌شده با حضور در اداره یازدهم پلیس آگاهی در اظهاراتش بـه کارآگاهان گفت: «داخل خانه در حال تماشـای فیلم بودم و پسـرم به نـام امیرعلی نیز در اتاق خوابش در حال اسـتراحت بود. در همین زمان با بازشدن درِ خانه، دو نفر با صورت پوشیده وارد شدند. من را گرفتند و دست و پایم را بسـتند. این دو نفر در ادامه سراغ پسرم در اتاق خواب رفتند و پس از مجروح‌کردن او با چاقو و در حالی که به علت خون‌ریزی شدید بی‌هوش شده بود، او را داخل پتو قرار دادند و با خودشان از خانه خارج کردند».

شـاکی در همان تحقیقات اولیه صراحتا عنوان کرد ربوده‌شـدن پسرش به وسـیله همسر سابقش انجام شده اسـت. با معرفی همسر سابق شاکی به‌عنـوان یکی از مظنونان پرونده، کارآگاهان بـه تحقیق از او پرداختند و با توجه به دلایل و مستندات به دست‌آمده، اطمینان پیدا کردند که این مرد به هیچ عنوان در ربوده‌شدن پسرش دخالتی نداشته است.

کارآگاهان که در تحقیقات پلیسـی به برخی اظهارات و تناقضات شاکی پی بـرده بودند، در ادامه تحقیقات خود موفق به شناسـایی شـخصی به نام ناصر (۴۲سـاله) شـدند که مدتی پیش با شاکی آشنا شـده بود. ناصر به‌عنوان راننده مسـافرکش در منطقه باغسـتان کرج شناسـایی و دستگیر شـد. او در همان تحقیقات اولیه اعتراف کرد پیشنهاد ربودن «امیرعلی» از سـوی مادرش مطرح شـده و او نیز صرفا به‌واسـطه اصرار مادرِ امیرعلی موضوع آدم‌ربایی را با فرد دیگری به نام مجید - از فروشـندگان مواد مخدر در شهرسـتان کرج - مطرح کرده و در نهایت آدم‌ربایی به‌وسیله سه نفر از دوسـتان مجید (خریداران مواد مخدر) انجام شـده است. با اعتراف صریح ناصر، دسـتگیری مادر امیرعلی به نام «ثمانه» (۴۶سـاله) در دسـتور کار کارآگاهـان قرار گرفت و مأموران اطلاع پیدا کردنـد او برای پیگیری پرونده ربوده‌شـدن پسرش به دادسـرای ناحیه ۲۷ تهران رفته است که بلافاصله موضوع اعترافات ناصر به بازپرس پرونده اعلام و ثمانه نیز در همان شـعبه چهارم بازپرسی دادسرای ناحیه ۲۷ تهران بازداشت شد.

تنها با گذشـت دو روز از زمان دسـتگیری ثمانه و ناصر، امیرعلی نیز از سـوی ربایندگان رها شد تا شـاید به این ترفند، مانع از تعقیب و دستگیری خود توسط پلیس شوند.

با شناسـایی ناصر (۲۳ساله) به‌عنوان یکی از فروشندگان مواد مخدر در شهرسـتان کرج، کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی با اخن نیابت قضائی به این شهرستان اعزام و موفق به دستگیری وی شدند.

«ناصر» در همان تحقیقات اولیه صراحتا به طراحی آدم‌ربایی و پیشنهاد آن به سـه نفر از مصرف‌کننـدگان مواد مخـدر در ازای دریافت دو میلیون تومان اعتراف کرد.

با شناسـایی حمیدرضا، سـیف‌الله و عباسـعلی (هر سـه نفر ۱۸ساله) به‌عنوان دیگر متهمان پرونده آدم‌ربایی، مخفیگاه آنها در منطقه باغستان و همچنین یک قهوه‌خانه واقع در منطقه تفریحی آتشـگاه شناسایی شد و هر سه نفرشان در دو عملیات جداگانه دستگیر و به اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل شدند.

سرهنگ حمیدرضا یاراحمـدی، سرپرست پلیس آگاهی تهران بزرگ، با تأییـد این خبر گفت:« متهمان پس از دسـتگیری، با صدور قـرار قانونی از سوی بازپرس پرونده و برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفتند».

# تبرئه از قتل با ۵۰ بار سوگند

**شرق:** زنی که متهم اسـت مرد موردعلاقه‌اش را از پنجره به بیرون پرت کرده و به قتل رسانده است، ۵۰ بار قسم خورد که این قتل کار او نبوده و به‌این‌ترتیب تبرئه شد.

به گزارش خبرنگار ما این زن پیش‌تر هم محاکمه و از اتهـام قتـل عمدی تبرئه شـده بـود اما دیوان عالی کشـور با نقض حکم برائت این زن خواسـتار برگزاری مراسم قسامه شده و پرونده را از موارد لوث تشخیص داده بود. این حادثه شهریور سال ۹۰ اتفاق افتاد. بعد از اعلام خبر این حادثه، مأموران کلانتری ۱۳۶ فرجام در محل حاضر شدند و بررسی‌های خود را آغاز کردند. تحقیقات نشان داد مرد ۳۶ ساله‌ای از پشت‌بام طبقه چهارم به تراس طبقه دوم ساختمان پرتاب شده است. این مرد به‌شدت مجروح شده بود و همسـایه‌ها او را به بیمارسـتان منتقل کردند اما مرد در بیمارسـتان جان باخت. پـس از این، خبر به بازپرس دادسـرای جنایی تهران اعـلام و تحقیقات جنایی درباره پرونده آغاز شد. پدر مقتول به مأموران گفت پسرم مدتی بود با زنی رابطه داشت و من هم این موضوع را می‌دانسـتم؛ آن زن ۲۰ سال از پسرم بزرگ‌تر بود و به خاطر همین اختلاف سـنی هم من در نهایت موفق شـدم پسـرم را منصرف کنم؛ حالا هم فکر می‌کنم آن زن پسـرم را به عمد کشته است چراکه شب حادثه پسرم در خانه او بود.

با توجه به شـکایت پدر مقتول مأموران شـیما را بازداشـت کردنـد. او در بازجویی‌هـا ارتبـاط با احمـد (مقتول) را قبول کرد اما گفـت او را به قتل نرسانده اسـت. این زن گفت: با احمد رابطه داشتم و بـه خانه‌ام می‌آمد، او می‌خواسـت با من ازدواج کنـد و همه قرارهـا را گذاشـته بودیم امـا بعد از مدتی پشـیمان شـد من هم خیلی ناراحت شدم و می‌خواستم ارتباطم را با او قطع کنم به همین خاطر هم گفتم دیگر به خانه‌ام نیاید. تا اینکه یک روز قبل از حادثـه متوجه شـدم وقتی من در خانـه نبودم، احمد و دوسـتانش وارد خانه‌ام شده و مبلغی پول و طلا از خانه بـرده بودند؛ این موضوع من را خیلی ناراحت کرد چون قرار بود ما با هم ازدواج کنیم. به احمـد اطمینان کرده و به او کلیـد داده بودم اما از خانه‌ام دزدی کرده بود. روز حادثه با ترفندی او را به خانه کشاندم و از او خواستم هرچه دزدیده است به من پس‌بدهد. به او گفتم باید هرچه از خانه برداشته برگرداند؛ زیر بار نرفت و گفت هیچ‌چیز نمی‌دهد؛ من هم عصبانی شدم و او را کتک زدم و بعد هم هلش دادم و گفتـم از خانه من بـرو بیرون اما احمد چون شیشـه مصرف کرده بود، حالت عادی نداشـت؛ به سمت پنجره رفت و خودش را به پایین پرت کرد.

بعد از گفته‌های این زن با توجه به اینکه شاهدان گفته بودند زن جوان احمد را به سـمت پنجره هل داده، کیفرخواسـت علیه او صادر شد و پرونده برای محاکمه به شـعبه ۱۰ دادگاه کیفری اسـتان تهران رفـت. متهم پای میز محاکمه قـرار گرفت و یک بار دیگـر ادعای خـودش را مطرح کرد و در پاسـخ به شاهدان گفت: آنها دیده‌اند که من احمد را هل دادم اما کسـی ندیده که من او را به پایین پرت کردم؛ من قاتل نیستم و احمد را نکشته‌ام.

با پایان جلسه رسـیدگی هیئت قضات وارد شور شـدند و متهم را از قتل عمدی تبرئه کردند. این رأی مورد اعتراض اولیای دم قـرار گرفت و دیوان عالی کشـور هم پرونده را از موارد لوث تشخیص داد و به شـعبه هم‌عرض فرستاد. روز گذشـته متهم یک بار دیگر پای میـز محاکمه رفت. زمانـی که قضات از اولیای دم خواسـتند در صورت قبـول ۵۰ نفر واجد شـرایط را بـه دادگاه معرفی کنند تا قسـم بخورند شیما قاتل اسـت آنها گفتند چنین توانایی‌ای ندارند و قسـم را به شیما واگذار کردند؛ متهم نیز قبول کرد ۵۰ بار قسـم بخورد که قاتل نیسـت. با پایان جلسه دادگاه هیئت قضات متهم را براساس مراسم قسامه از اتهام قتل عمدی تبرئه کردند.

# اعتراف به قتل بعد از ۱۲ سال

**شـرق:** مردی که دوستش را ۱۲ سـال پیش به قتل رسانده بود، عاقبت دستگیر شد و به ارتکاب این جرم اعتراف کرد.

رسـیدگی به این پرونده از سال ۸۴ و زمانی آغاز شـد که به کارآگاهان جنایی پلیس آگاهی اسـتان فارس خبر دادند پسـری جوان بـه علت خون‌ریزی شدید در بیمارستان جان باخته است. وقتی مأموران بـه مرکز درمانی رفتند، متوجه شـدند این جوان که هاشـم نام داشـت، بر اثر اصابـت دو ضربه چاقو جانش را از دسـت داده اسـت. به‌این‌ترتیب تلاش برای شناسایی و دستگیری قاتل یا قاتلان آغاز شد.

کارآگاهان در بررسـی‌های مقدماتـی پی بردند مقتول سـاعتی قبل از مرگ با یکی از دوستانش به نام نیما قرار ملاقات داشـته و همراه او بوده. اگرچه نشـانه‌ای مبنی‌بر وجود اختلاف میان هاشـم و این جوان وجود نداشـت، اما مأموران تصمیم گرفتند از نیمـا تحقیق کنند تا بلکه از ایـن طریق بتوانند کلید حل ایـن معمای جنایـی را به دسـت بیاورند. آن زمان بود که معلوم شـد نیما فرار کرده و به مکانی نامعلوم گریخته اسـت. این‌گونه بود که پسر جوان به‌عنوان مظنون اصلی پرونده قتل شـناخته شـد و تحت تعقیب قرار گرفت. تلاش‌ها برای دسـتگیری متهم هیچ نتیجه‌ای نداشـت و ردپایی از او به‌دست نیامد تا اینکه چندی قبل درحالی‌که ۱۲ سال از وقوع قتل می‌گذشـت، کارآگاهان اخبـاری را درباره نیما شـنیدند و بار دیگر برای دسـتگیری او دست‌به‌کار شدند. این‌بار تلاش‌ها نتیجه داد و این مرد بازداشت شد. متهم بعد از انتقال به پلیس آگاهی به جرمش اعتراف کرد و گفت نمی‌خواسته دوستش را بکشد. او گفـت: «من و هاشـم خیلی‌وقت بـود که با هم دوست بودیم و رابطه خوبی با هم داشتیم، درواقع اصلا اختلافی میان ما وجود نداشـت. شـب حادثه درحالی‌که مشـکلی برایم پیش آمده بود و ناراحت بودم، به سراغ هاشـم رفتم و گفتم می‌خواهم با او صحبت کنم. هاشم پیشـنهاد داد به محلی خلوت برویم. در آنجا او با من شـوخی کرد. همیشه این کار را می‌کرد، اما آن شـب اصلا حوصله نداشـتم. از او خواستم دست از شـوخی بردارد، اما توجهی نکرد. من ناگهان به‌شدت عصبانی شدم و با چاقو دو ضربه به او زدم. وقتی دوسـتم نقش بر زمین شد، از ترس فـرار کردم. به خانه‌مان رفتـم، لباس‌هایم را عوض کردم و فراری شـدم».بنا بر این گزارش، متهم اکنون در بازداشت به‌سر می‌برد و تحقیقات از او همچنان ادامه دارد.

## پنج قاره

### انفجار تانکر در شمال ایتالیا قربانی گرفت

در پـی وقوع یک تصادف و انفجـار در بزرگراهی در شمال ایتالیا شـش نفر ازجمله دو کودک کشته شدند. پلیس ایتالیا اعلام کرد: برخورد یک کامیون، یک خودروی سواری و یک تانکر با یکدیگر منجر به این حادثه و انفجار تانکر شد. بنابر اعلام پلیس در این حادثه، راننده کامیون و پنج سرنشین خودروی سـواری کشته شدند. جزئیات بیشتری از این حادثه منتشر نشده است.

### ۴۸ کشته در حادثه سقوط اتوبوس

در پی سـقوط یـک دسـتگاه اتوبـوس از بالای صخره‌ای در پرو دسـت‌کم ۴۸ نفر کشته شدند. بنابر اعلام مقامات داخلی پرو، در این حادثه رانندگی یک دستگاه اتوبوس پس از برخورد با یک کامیون از مسیر منحرف شده و از بالای صخره‌ای سقوط کرده است. بنابر اعلام پلیس در زمـان وقوع حادثه این اتوبوس حامل ۵۷ سرنشـین بوده که دست‌کم ۴۸ نفر از آنان کشـته شـدند. همچنین احتمال دارد شمار قربانیان این سـانحه جـاده‌ای افزایـش پیدا کنـد. نیروهای امدادونجات پس از وقوع حادثه در محل حاضر شده و حادثه‌دیدگان را از میان لاشـه ایـن اتوبوس بیرون کشیدند. به گزارش اسکای‌نیوز، گفته شده محل وقوع این حادثه به «پیچ شیطانی» معروف و به دلیل وقوع سوانح جاده‌ای مرگ‌بار شناخته شده است.

### ۲۲ سال زندان به جرم قتل دختر ۵ ساله

یـک زن در آمریکا بـه جرم قتـل غیرعمد دختر پنج‌سـاله خود به ۲۲ سـال زندان محکوم شـد. به گزارش «آسوشـیتدپرس»، دختر این زن در ماه ژانویه مفقود شـده بود و جسد وی در حالی پیدا شد که در رستورانی خانوادگی در شـمال شهر «کنتون» پنهان شده بود. به گفته مقامات، مادر این دختر او را مکررا مورد ضرب‌وشـتم قرار می‌داده کـه در نهایت منجر به مرگ وی شـده است. این زن به جز قتل به جرائم دیگری نیز متهم شـده اسـت. به گفته دادستان این پرونده، بعد از بازجویی‌ها و تحقیقات فراوان و بررسی مدارک موجود مشـخص شـده که ایـن مادر قصد به‌قتل‌رساندن دختر خود را نداشته است و به طرزی ناراحت‌کننده از روی عصبانیت باعث مرگ فرزند خود شده است. به گفته وکیل‌مدافع این زن، او از کار خود پشیمان و حاضر اسـت تا تمام عواقب عملی را که مرتکب شده برعهده بگیرد. گفته می‌شود شوهر این زن در پنهان‌کردن جسد با همسر خود همکاری کرده است. این مرد نیز به ارتکاب چندین جرم متهم شده و قبول کرده تا در دادگاه علیه همسرش شهادت دهد. این مرد از اتهام ارتکاب به قتل مبرا شده است.

## رخداد

### رهاسازی ۷۰ خودرو از برف و امدادرسانی به ۳۰۶ نفر

● رئیس سـازمان امدادونجات جمعیت هلال‌احمر گفت روز سه‌شنبه در شش استان متاثر از برف و کولاک امدادرسانی شده اسـت. مرتضی سلیمی با اشاره به وقوع برف و کولاک در شـش استان کشور اظهار کرد: استان‌های اردبیل، ایلام، چهارمحال‌وبختیاری، قزوین، لرسـتان و مازندران در ۲۴ سـاعت گذشته متأثر از این پدیده شدند و از همین رو ۱۰ تیم متشکل از ۳۳ امدادگر در ۱۰ منطقه عملیات امدادرسـانی انجام داده‌اند که در مجموع به ۳۰۶ نفر امدادرسـانی کردند و یک نفر نیز به مراکز درمانی منتقل شد.

### آتش‌سوزی مرگ‌بار در مجتمع مسکونی

● معاون عملیات سازمان آتش‌نشانی اهواز گفت: در حادثه آتش‌سـوزی در یک مجتمع مسکونی در اهواز یک زن جان خـود را از دسـت داد و یک مرد مصدوم شد. محمود روزبهانی بیان کرد: این حادثه ساعت ۲:۲۹ بامداد دیروز در طبقه پنجم یک مجتمع مسـکونی در منطقه کوی ملت اهـواز رخ داد. وی گفت: برای مهار آتـش هفت دسـتگاه خودروی آتش‌نشـانی به محل اعزام شدند. وی ادامه داد: واحد حادثه‌دیده صددرصد در آتش سـوخت و سـاکنان مجتمع تخلیه شدند و از سرایت آتش به سایر واحدهای مسکونی جلوگیری شد.

### جوان گرگانی، به چند بیمار زندگی دوباره می‌بخشد
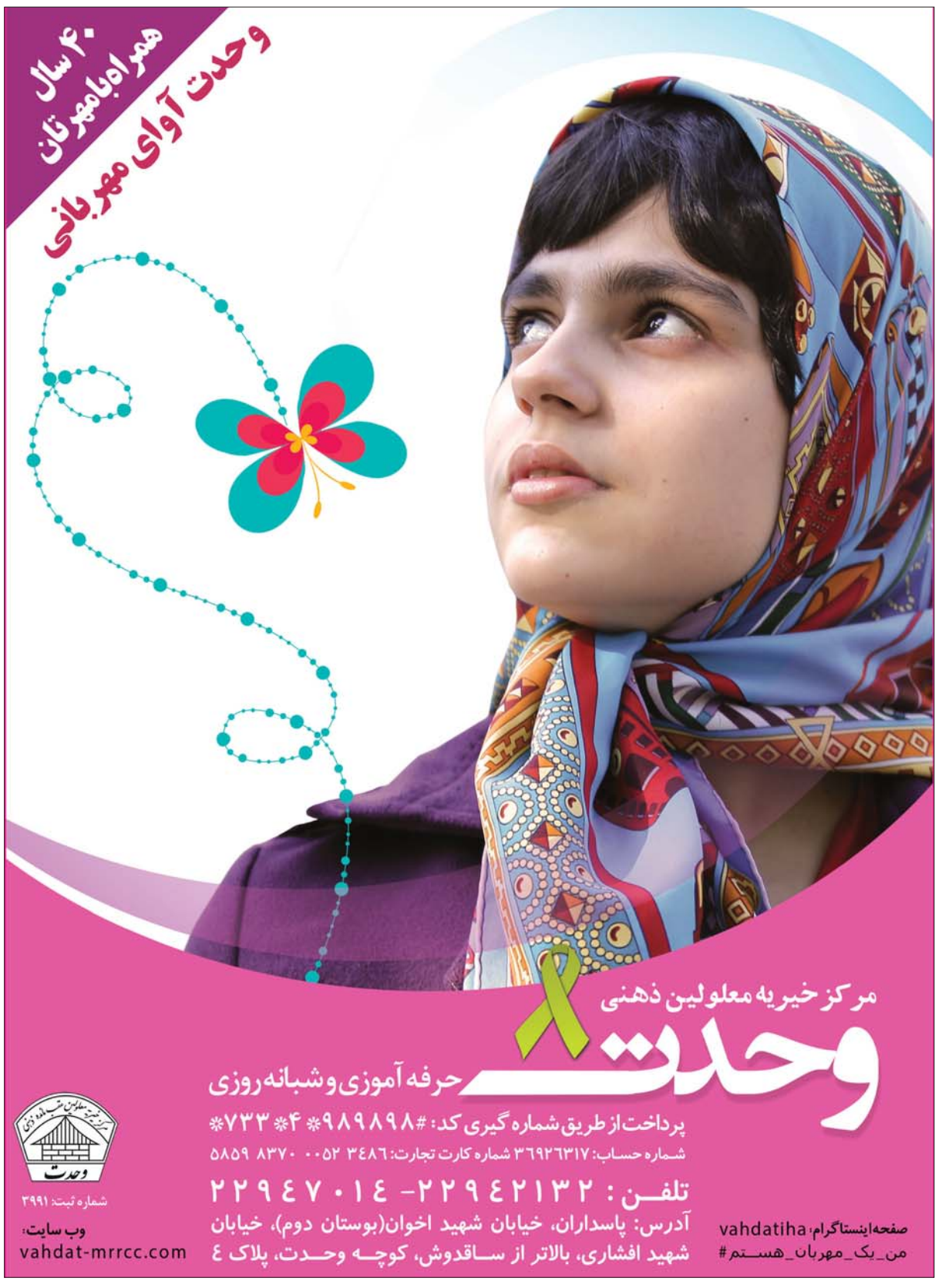
● مسئول واحد فراوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی استان گلسـتان گفت: اعضای بدن یک جوان گرگانی که بر اثر سانحه رانندگی دچار مرگ مغزی شده است، با رضایت خانواده او اهدا می‌شود. زهرا شرکت اظهار کرد: حمید میرزائی جوان ۳۱ساله اهل و ساکن روستای زنگیان گرگان هفته گذشته در سانحه رانندگی برخـورد دو دسـتگاه خودرو دچار مرگ مغزی شـده است. وی افزود: روز گذشته کادر درمانی و بیمارستانی مرگ مغزی را تأیید کـرد و رایزنی با خانواده وی برای اهدای عضو انجام شـد. شـرکت اضافه کرد: با توجه به رضایت خانواده میرزائی با این اقدام انسان‌دوستانه برای نجات چند بیمار، بلافاصلـه این جوان به تهران منتقل شد که می‌تواند به هفت نفر از بیماران نیازمند پیوند اعضا زندگی دوباره دهد این کار به تشخیص کادر درمانی و بیمارستانی انجام می‌شود.